آداب زیارت و دیدار از نگاه قرآن

حسن شریفی‌نیا

زیارت و دید و بازدید در فرهنگ قرآنی و اسلامی یکی از آداب اجتماعی است که برای آن آثار و برکات بسیاری گفته‌اند. انجام این عمل به‌عنوان یک عمل عبادی، آداب و احکامی دارد که نویسنده در این مطلب به برخی از آنها اشاره کرده است.

***

فلسفه و اهداف زیارت

انسان موجودی اجتماعی است و برای اینکه پاسخی به جنبه‌های اجتماعی خود بدهد به هر دلیل و علتی نیاز به ارتباط‌گیری با همنوع دارد و می‌خواهد تا با او باشد؛ چرا که تنهائی برای انسان آثار زیانباری دارد؛ زیرا مانند هر آفریده دیگری جفت و زوج آفریده شده است. قرآن در آیه ۴۹ سوره ذاریات می‌فرماید: وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ و از هر چیزی دو گونه- که یکی جفت دیگری است- آفریدیم، باشد که یاد کنید و پند گیرید. برهمین اساس است که برای نخستین بشر یعنی حضرت آدم(ع) زوجی از نفس و جنس او آفریده می‌شود تا در کنار آن آرام گیرد.(نساء، آیه ۱؛ اعراف، آیه ۱۸۹)

یکی از راه‌های ارتباط اجتماعی، زیارت و دید و بازدید از یکدیگر است.

زیارت واژه‌ای عربی از ریشه زور است. زور در اصل لغت عربی به معنای بستن است. این لغت نخست درباره بستن دهان اسب با ابزاری چون لبیشه بوده است. لبیشه یا لباشه آن حلقه ریسمان است که بر چوبی نصب کنند و لب بالای اسب بدان می‌بندند. عرب می‌گوید: زَارَ الفَرسَ زَوَاراً؛ دهان اسب را با لبیشه خوب بست.

اینکه به سخنان لغو، باطل و دروغ، زور می‌گویند از همین ریشه است؛ چرا که سخن لغو، باطل و دروغ از دهان بی‌چاک‌وبست بیرون می‌آید و اگر دهان به لبیشه و دهن‌بندی از عقل بسته بود، هرگز انسان سخن دروغ و باطل و لغوی بر زبان نمی‌راند. این واژه پس از آن در زیارت و دید و بازدید به کار رفت؛ زیرا شخص با این اقدام و دید و بازدید دهان دیگری را می‌بندد و اجازه خرده‌گیری نمی‌دهد یا جلوی شایعات را می‌گیرد. وقتی شخصی با دیگری ارتباط خویشی و دوستی دارد، انتظار رفت‌وآمد و دید و بازدید است. وقتی به زیارت دیگری می‌رود، این انتظار برآورده شده و دیگر دهان طرف مقابل بسته می‌شود؛ چنان‌که اگر این ارتباط باشد شایعه‌سازان دلیلی نخواهند داشت تا سخنان لغو و بیهوده بگویند و یا بین دوستان و خویشان دشمنی اندازند.

پس زیارت به معنای دیدار کردن، بازدید کردن، ملاقات کردن و برای دیدار کسی به سوی او رفتن است که در آن دهان خرده‌گیر و شایعه‌ساز و دشمنان بسته می‌شود. پس هر نوع دیدار و بازدید و سفری را زیارت نمی‌گویند؛ چرا که در این نوع از سفرها و دیدارها و قصد دیدن‌ها، هدف خاصی مطرح است. اگر انسانی با دیگری خویش و دوست است و نوعی احساس قرابت می‌کند، باید با این دیدارهای خاص نشان دهد که قرابت میان آن دو است و می‌خواهد این قرابت حفظ شود. از این‌رو صله‌رحم یا زیارت تقویت می‌شود. از آنجا که اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) پدران امت هستند، زیارت این خویشان بسیار مورد تأکید است.

مهم‌ترین آثار زیارت انس گرفتن، تکریم شدن و مانند آن است. انسان با زیارت از برکات دنیوی و مادی و نیز اخروی و معنوی بهره‌مند خواهد شد. در آیات و روایات آثار بسیاری برای زیارت خانه خدا، زیارت معصومان(ع)، زیارت مؤمنان و نیز زیارت بیماران و اهل قبور بیان شده است.

از پیامبر(ص) نقل شده است: أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ من و علی پدران این امت هستیم.(عیون أخبار الرضا، ج۲، ص ۸۶؛ علل الشرائع، ج۱، ص ۱۲۸) در تفسیر و روایات تفسیری ذیل آیه ۲۷ سوره بقره و آیات ۲۱ و ۲۵ سوره رعد این معنا مورد تأکید است که صله‌رحم واقعی با اولیای امت است و انسان باید این خویشی معنوی و ارتباط با ولی‌الله را حفظ کند.

بنابراین، مهم‌ترین فردی که انسان باید به زیارت او برود تا جلوی هرگونه خرده‌گیری و شایعه‌ای را بگیرد و این‌گونه صداقت خود را بیان کند، دیدار از اولیای الهی و امام معصوم(ع) است.

البته برخی در معنای زیارت و اینکه چرا این واژه برای چنین عملی به‌کار رفته است می‌نویسند: زیارت، دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه مفهوم میل و گرایش نهفته است؛ گویی زیارت‌کننده از دیگران روی گردانده و به سوی زیارت‌شونده تمایل و قصد کرده است، (معجم مقاییس اللّغه، ج ۳، ص ۳۶، «زور») این معنا البته دور از ذهن نیست؛ چرا که وقتی انسان به زیارت کسی می‌رود که می‌خواهد میل و گرایش نهانی خود را بیان کند و نشان دهد که از نظر باطنی نسبت به دیدار شونده گرایش و محبت دارد؛ به‌ویژه اگر مسافت، طولانی و نیازمند سفر باشد. در این صورت این دیدار از زیارت‌شونده به‌خوبی نمایانگر میل و گرایش باطنی زیارت‌کننده است. با این همه باید توجه داشت که ریشه کلمه همانی است که گفته شد. از نظر فیومی، در معنای زیارت، قصد اکرام زیارت‌شونده و انس گرفتن با او نیز نهفته است(المصباح، ج ۱- ۲، ص ۲۶۰، «زور») که البته این نظر نیز دور از معنا نخواهد بود؛ ولی باید توجه داشت که این مفاهیم از اصل واژه به دست نمی‌آید بلکه از لوازم قریب یا بعید زیارت است.

به هر حال، زیارت به معنای قصد دیدن و ملاقات کردن شخص به منظور جلوگیری از خرده‌گیری و آشکار کردن اموری

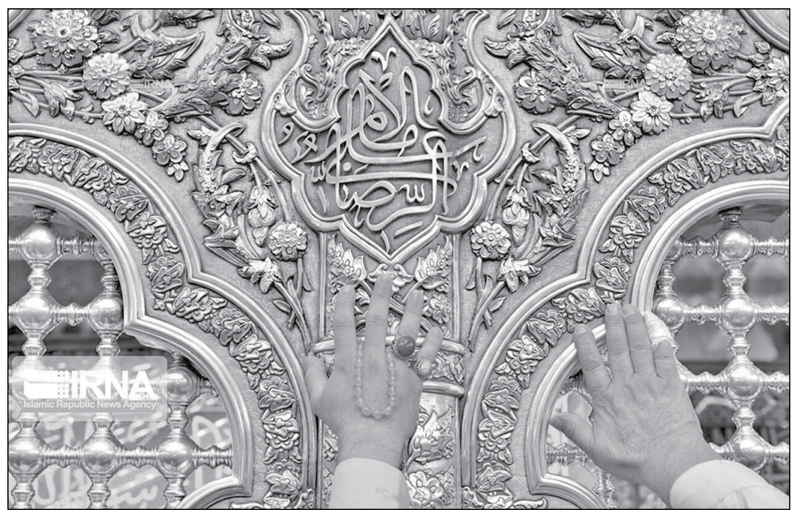

است که بدان دهان خرده‌گیران و یاوه‌گویان بسته می‌شود و شخص این‌گونه محبت و دوستی را بیان می‌کند و گمانه‌های دشمنی را از اذهان می‌زداید. از این‌رو زیارت خانه خدا و زیارت پیامبر(ص) و چهارده معصوم(ع) بسیار تأکید شده است؛ زیرا اگر کسی واقعا با خدا دوست است و به خدا محبت می‌ورزد به زیارت خانه خدا می‌رود و سپس به قصد همین خانه خدا به زیارت حبیب خدا(ص) و دیگر اولیای معصوم(ع) رفته و محبت و اطاعت خویش را ابراز کرده و دهان یاوه‌گویان و شایعه‌سازان را می‌بندد و اعلان وفاداری و اطاعت با خدا و اولیای الهی می‌کند. (آل عمران، آیات ۳۱ و ۳۲)

در قرآن واژه «زار» در همین معنای پیش‌گفته از زیارت در آیه ۲ سوره تکاثر درباره رفتار مشرکان بیان شده است. خداوند می‌فرماید: أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ؛ تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل داشت تا آنکه گورستان‌ها را زیارت کردید (تا دم مرگتان چنین بودید) یا رفتید تا برای تفاخر، قبرهای بستگانتان را نیز بشمارید.(تکاثر، آیات ۱ و ۲) در حقیقت مشرکان در یک رقابت تکاثری و تفاخری تا آنجا پیش رفتند که برای بستن دهان دشمنان خود از قبایل دیگر به قبرستان‌ها می‌رفتند تا این‌گونه با شمارش گورهای مردگان خویش دهان آنان را ببندند و بگویند که از نظر جمعیت بیشتر از شما هستیم. از این آیه به‌خوبی به دست می‌آید که هدف از زیارت همان بستن دهان دیگران و جلوگیری از خرده‌گیری است. البته در آیات قرآن واژگان دیگری برای بیان همین مفهوم از زیارت به‌کار رفته است که می‌توان به واژه حج که به معنای قصد دیدار و زیارت و تعابیری چون «آمین البیت»، «لتدخلنّ»، «لاتقم علی قبره» اشاره کرد که همین معنا و مفهوم زیارت را می‌رساند.

اهداف زیارت

در قرآن اهدافی برای زیارت بیان شده است. ازجمله این اهداف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اعلان محبت و دوستی: یکی از مهم‌ترین اهداف زیارت بیان آشکار دوستی و محبت نسبت به شخص دیدار شونده است. کسی که به زیارت می‌رود با این عمل خود محبت و دوستی خود را بیان می‌کند.

۲. اعلان رسمی اطاعت: زیارت بیانگر اعلان رسمی اطاعت و پیروی شخص از زیارت‌شونده است، به‌ویژه که اگر این دیدار نسبت به کسانی باشد که اطاعت از آنان واجب است. زیارت والدین، زیارت دولتمردان، زیارت اولیای الهی و مراجع تقلید از جمله این زیارت‌هاست.

۳. رهایی از خرده‌گیری: کسی که به زیارت دیگری می‌رود از هرگونه اعتراض نسبت به بی‌وفایی و یا فقدان محبت و اطاعت و مانند آن خود را می‌رهاند.

۴. جلوگیری از شایعات و سخنان یاوه‌گویان: زیارت جلوی بسیاری از شایعات نسبت به وجود اختلاف و دشمنی میان دو نفر را می‌گیرد و جلوی شایعات و سخنان یاوه‌گویان را می‌گیرد.

۵. تفاخر: از دیگر اهداف زیارت می‌توان به تفاخر اشاره کرد.

برخی از مردم به دیدار کسانی می‌روند تا این‌گونه با زیارت خویش بر دیگری تفاخر کنند. این رویه در جاهلیت و جاهلیت‌گرایان بسیار متداول است و آنان حتی به زیارت قبور مردگان خویش می‌رفتند تا به وجودشان تفاخر کنند.(تکاثر، آیات ۱ و ۲)

۶. دستیابی به ثروت‌های مادی: از دیگر اهدافی که قرآن برای زیارت حتی زیارت خانه خدا بیان کرده است، دستیابی به ثروت‌های مادی است. این هدف در کنار اهداف دیگر زیارت خانه خدا اگر اصل نخست نباشد، حداقل امری مطلوب و پسندیده است.(مائده، آیه ۲)

۷. دستیابی به فضل الهی: خداوند در آیه ۲ سوره مائده دستیابی به فضل و پاداش‌های الهی را از اهداف مشروع زائران کعبه معرفی می‌کند. بنابراین چنین هدفی مشروع و پسندیده است. برهمین اساس اگر کسی به قصد زیارت شخصی حتی امامان معصوم(ع) می‌رود تا مثلا از فضل آنان بهره‌مند شود و فرزند و زنی به دست آورد و یا مالی از آنان بخواهد امری جایز و مشروع و پسندیده است.

۸. جلب رضایت: از دیگر اهداف زیارت جلب رضایت شخص زیارت‌شونده است. خداوند در آیه ۲ سوره مائده به این هدف اشاره کرده و آن را مورد تایید و بلکه تأکید قرار داده است.

۹. درخواست و پرسش: زیارت می‌تواند به قصد درخواست چیزی و پرسش از امری باشد. به‌عنوان نمونه قرآن در آیه ۶۴ سوره نساء زیارت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) به هدف درخواست دعا برای آمرزش از خدا را مورد تأکید قرار می‌دهد و آن را زمینه پذیرش توبه و شمول رحمت الهی می‌داند. پس انسان می‌تواند به قصد امور معنوی و یا مادی به زیارت افراد برود و آنان را وسیله‌ای برای مقاصد مشروع خود قرار دهد و از شفاعت آنان بهره‌مند شود.

۱۰. تعلیم و تعلم: زیارت به قصد تعلیم و تعلم نیز از مواردی است که در قرآن بیان شده است؛ چنان‌که هدف موسی(ع) از تلاش برای زیارت خضر(ع)، رشد علمی و استفاده از معلومات الهی و علم لدنی آن حضرت بوده است.(کهف، آیات ۶۰ تا ۶۶)

۱۱. دعا: از دیگر اهداف زیارت می‌توان به دعا برای کسانی دانست که به زیارتش می‌روند. به‌عنوان نمونه زیارت اهل قبور برای دعا در آیاتی از جمله ۸۴ سوره توبه بیان شده است. البته در این آیه به پیامبر(ص) دستور داده تا به زیارت قبور منافقان نرود و بر سر قبر آنان نایستد و برایشان دعا نکند. پس از این آیه فهمیده می‌شود که زیارت قبور مردگان از مسلمانان و مؤمنان برای دعا کردن به آنان نه تنها جایز است بلکه پیامبر(ص) این کار را انجام می‌داده و جزو سیره آن حضرت بوده است و خداوند در این آیه تنها او را از زیارت قبور منافقان باز داشته است. به سخن دیگر، سنّت زیارت قبور مؤمنان و دعا برای آنان در زمان پیامبر اکرم(ص) وجود داشته و خود آن حضرت به این کار می‌پرداخته است.

۱۲. تسلی و آرامش بخشی: زیارت بیماران و بستگان مردگان به هدف تسلیت و دعا براساس همین آیه پیش‌گفته مشروع خواهد بود؛ چرا که زیارت قبور و دعا و نیایش برای آنان جایز است. البته در سنت و سیره پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) بر زیارت اهل قبور و بیماران بسیار تأکید شده است.

۱۳. پاداش اخروی: همان‌طوری که دستیابی به اهداف مادی و دنیوی از اهداف زیارت دانسته شده می‌توان گفت که دستیابی به پاداش اخروی در دیدار از کعبه یا زیارت قبور و یا بیماران و خویشان و مانند آن نیز از اهداف زیارت است که در آیات قرآنی از جمله آیه ۲ سوره مائده به آن اشاره شده است.

۱۴. آمرزش: از دیگر آثار زیارت دستیابی به مغفرت و آمرزش است. این مطلب به‌ویژه در زیارت چهارده معصوم(ع) مورد تأکید است.(حجرات، آیات ۳ و ۵)

۱۵. تکریم: از دیگر اهداف زیارت، تکریم زیارت شونده است. زیارت اهل‌بیت(ع) و معصومان(ع) از باب تکریم ایشان امری بسیار مستحب و بلکه واجب است؛ زیرا این‌گونه با توسل به حبیب‌الله می‌توان محبوب خداوند شد و از آثار و برکات چنین محبتی بهره برد.(آل عمران، آیات ۳۱ و ۳۲)

۱۶. انس گرفتن: کسی که به زیارت دیگری می‌رود زمینه را برای انس گیری بیشتر و بهره مندی از زیارت شونده برای خود فراهم می‌آورد. این مطلب را می‌توان از آیات و روایات به دست آورد.

احکام و موانع زیارت

زیارت، احکام خاصی دارد که باید مراعات شود. این احکام را می‌توان در پنج دسته واجب و مستحب و حرام و مکروه و جایز دسته‌بندی کرد.

۱. زیارت واجب: زیارت خانه خدا در هنگام استطاعت واجب است. این وجوب در قالب حَجّ‌الاسلام تعریف شده است. همچنین زیارت اولوالامر از واجبات است. بنابراین، زیارت پیامبر(ص) و زیارت امامان معصوم(ع) از واجبات الهی است؛ زیرا بیانگر اطاعت و محبت است.(آل عمران، آیه ۹۷؛ حج، آیات ۲۵ و ۲۷؛ حجرات، آیه ۳)

۲. زیارت مستحب: زیارت خانه خدا به شکل عمره مستحب است و بارها مورد تأکید قرآن قرار گرفته است. همچنین زیارت عالمان و پارسایان برای بهره‌گیری از علوم و دیگر مواهب روحی و معنوی آنان مستحب و در برخی از شرایط حتی واجب است. (کهف، آیات ۶۰ تا ۶۶)

۳. زیارت حرام: زیارت کافر و فاسق و منافق به‌عنوان کفر و فسق و نفاق آنان حرام است.(توبه، آیه ۸۴) همچنین زیارت قبور گذشتگان به قصد تفاخر و تکاثر حرام است؛ چرا که چنین زیارتی را خداوند وعده عذاب دوزخ داده است.(تکاثر، آیات ۱ تا ۶)

۴. زیارت مکروه: زیارت کافر و فاسق و منافق اگر به قصد فامیل و صله‌رحم باشد، مکروه است.

۵. زیارت جایز: هرگونه زیارت در غیر از مواردی که در اسلام و قرآن به‌عنوان چهار دسته پیشین دسته‌بندی نشده جایز است.

از جمله موانعی که در قرآن برای زیارت بیان شده می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. کفر: از نظر آموزه‌های قرآنی زیارت کفار با قید کفر جایز نیست. به این معنا که با شخصی به اعتبار کافر بودن دیدار و زیارتی انجام گیرد، حرام و گناه است. این زیارت حتی نسبت به قبر کفار نیز مذموم و گناه است.(توبه، آیه ۸۴)

۲. نفاق: نفاق و دورویی، از موانع شرعی زیارت است. با منافقان به‌عنوان منافق نمی‌توان در زمان زنده بودنشان دیدار و زیارت کرد؛ چنان‌که زیارت و دعا برای اهل قبور آنان نیز براساس همین آیه پیش‌گفته جایز نیست. (تفسیر التحریروالتنویر، ج ۶، جزء ۱۰، ص ۲۸۴)

۳. فسق: با فاسق به‌عنوان فسق نمی‌توان زیارتی داشت و فسق از دیگر موانع شرعی زیارت است. بنابراین نمی‌توان حتی به زیارت اهل فسق چون منافقان رفت که فسق فکری و عملی دارند.(توبه، ایه ۸۴)

آداب زیارت

در آموزه‌های قرآنی برای زیارت آدابی بیان شده است که مراعات آن می‌تواند موجب بهره‌مندی بیشتر از زیارت شود. آیات ۲ و ۳ سوره حجرات بیان می‌کند که مراعات آداب زیارت معصوم(ع) موجب بهره‌مندی انسان از پاداش بزرگ الهی خواهد شد.

از جمله آداب زیارت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اذن دخول: پیش از ورود به محضر زیارت شونده باید از او اذن خواست نه اینکه وارد شده و سپس اجازه بگیریم، بلکه پیش از ورود باید ماذون به ورود باشیم.(احزاب، آیه ۵۳)

۲. سخن آهسته و آرام: اینکه هنگام ورود صدای خویش را پایین آورد و با صدای بلند وارد نشود و همچنین در مجلس نیز صدا را بلند نکند و آهسته و آرام سخن بگوید. (حجرات، آیات ۲ و ۳)

۳. صبر: تا زمانی که اذن ورود داده نشده وارد نشود و صبر و شکیبایی کند تا خود میزبان یا کس دیگر از اهل خانه اذن ورود بدهد و یا به استقبال او آید.(حجرات، آیات ۳ و ۵)

۴. مراعات زیارت‌شونده: زیارت‌کننده نباید مزاحم زیارت‌شونده باشد، بلکه باید مراعات حال او را بکند.(احزاب، آیه ۵۳)

۵. حرمت زیارت‌کننده: زیارت‌شونده نیز لازم است تا حرمت زیارت‌کننده را حفظ کند.(مائده، آیه ۲)

۶. سلام و دعا برای زیارت‌کننده: زیارت‌شونده برای زیارت‌کننده دعا کند و آرزوی سلامتی برای او داشته باشد. پیامبر(ص) مأمور بود که در سلام پیش‌دستی کند و این‌گونه زیارت‌کننده را تکریم نماید.(انعام، آیه ۵۴)

۷. فروتنی زیارت‌شونده: زیارت‌شونده باید فروتنی نسبت به زیارت‌کننده داشته باشد.(انعام، آیه ۵۴)

آثار زیارت

از مطالب پیشین می‌توان به اهمیت و آثار و برکات زیارت پی‌برد. شکی نیست که مهم‌ترین آثار زیارت انس گرفتن، تکریم شدن و مانند آن است. انسان با زیارت از برکات دنیوی و مادی و نیز اخروی و معنوی بهره‌مند خواهد شد. در آیات و روایات آثار بسیاری برای زیارت خانه خدا، زیارت معصومان(ع)، زیارت مؤمنان و نیز زیارت بیماران و اهل قبور بیان شده است. ثواب زیارت قبور امامان(ع) چنان زیاد است که خود یک کتاب جداگانه‌ای می‌طلبد.

در آموزه‌های قرآنی برای زیارت آدابی بیان شده است که مراعات آن می‌تواند موجب بهره‌مندی بیشتر از زیارت شود. آیات ۲ و ۳ سوره حجرات بیان می‌کند که مراعات آداب زیارت معصوم(ع) موجب بهره‌مندی انسان از پاداش بزرگ الهی خواهد شد.

چراغ راه

خصلت‌های انسان متعالی

قال الامام الصادق(ع): خمس خصال من لم تکن فیه خصله منها فلیس فیه کثیر مستمتع: اولها: الوفاء و الثانیه: التدبیر، و الثالثه: الحیاء، و الرابعة: حسن الخلق، و الخامسه: و هی تجمع هذه الخصال: الحربه»

امام صادق(ع) فرمود: پنج خصلت است که در هرکس یکی از آنها نباشد، خیر و بهره زیادی در او نیست: اول: وفاداری، دوم: تدبیر، سوم: شرم و حیا، چهارم: خوش‌خویی و پنجم که چهار خصلت دیگر را نیز در خود دارد، آزادگی است.(۱)

۱- میزان‌الحکمه، محمدی ری‌شهری(ره)، ج ۳، ص ۱۰۹۶، ح ۳۵۵۴

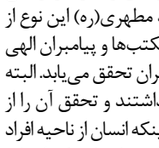

حکایت خوبان

والاترین مقام نزد خداوند

امام حسن(ع) در نصایحی می‌فرماید: والاترین مقام نزد خداوند، از آن کسی است که بیشتر از همه به حقوق مردم آشنا باشد و در ادای آن حقوق بیشتر از همه کوشا باشد، و کسی که در برابر برادران دینی خود تواضع کند، خداوند او را از صدیقین و شیعیان امیرالمؤمنین(ع) قرار می‌دهد.(۱)

۱- حیات امام حسن(ع)، ج ۱، ص ۳۱۹

پرسش و پاسخ

حقیقت آزادگی و چگونگی کسب آن(۱)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی حقیقت آزادگی چیست و چگونه می‌توان از تعصب‌های کور جاهلی دور شد و صفت والای آزادگی را تحصیل کرد؟

پاسخ:

مفهوم آزاده و آزادگی

کلمه حر در سنت گاهی در معنای آزاد به کار برده شده است، مانند آنجا که امام علی(ع) می‌فرماید: «ان الناس کلهم احرار» به درستی که همه مردم آزادند.(نهج‌السعاده، ج ۱، ص ۱۹۸) گاهی همین کلمه حر به معنای آزاده به کار رفته است، همانند این حدیث امام صادق(ع) که فرمود: «ان الحر حر علی جمیع احواله» آزاده در همه حال آزاده است. (میزان‌الحکمه، محمدی ری‌شهری(ره)، ح ۳۵۶۰) در فارسی کلمه آزاد و آزادی یک معنا دارد و آزاده و آزادگی معنای دیگر. اهل لغت آزاد را چنین معنا کرده‌اند: آن کسی که بنده کسی نباشد، حر مقابل بنده و عبد است.(فرهنگ معین، ج ۱، ص ۴۵) درباره معنای آزادگی نیز گفته‌اند: حریت، جوانمردی، نجابت و اصالت.(همان، ص ۴۶)

بنابراین می‌توان گفت: آزادی یعنی رها بودن بدن از اسارت و آزادگی به معنی رها بودن روح از اسارت است. شهید مطهری(ره) این نوع از آزادی را آزادی معنوی می‌نامد و آن را ارمغان مکتب‌ها و پیامبران الهی می‌داند. آزادی معنوی تنها در سایه مکتب پیامبران تحقق می‌یابد. البته پیامبران به مسئله آزادی اجتماعی نیز توجه داشتند و تحقق آن را از اهداف خود می‌دانستند. آزادی اجتماعی یعنی اینکه انسان از ناحیه افراد دیگر آزاد باشد... در نص قرآن مجید هم یکی از هدف‌هایی که انبیای الهی داشته‌اند، این بوده است که به بشر آزادی اجتماعی بدهند، یعنی افراد را از اسارت و بندگی و بردگی یکدیگر نجات بدهند.

آزادی معنوی

آزادی معنوی برخلاف آزادی اجتماعی، آزادی انسان از خودش است. آزادی اجتماعی، آزادی انسان است از قید و اسارت افراد دیگر، ولی آزادی معنوی نوع خاصی از آزادی است. در واقع آزادی انسان است از قید و اسارت خودش. تفاوت میان مکتب انبیا و مکتب‌های بشری در این است که پیغمبران آمده‌اند تا علاوه بر آزادی اجتماعی، آزادی معنوی به بشر بدهند، و آزادی معنوی است که بیشتر از هر چیز دیگری ارزش دارد.

انسان یک موجود مرکب و دارای قوا و غرائز گوناگونی است. در وجود انسان هزاران قوه نیرومند وجود دارد. انسان شهوت، غضب، حرص و طمع دارد، جاه‌طلبی و افزون‌طلبی دارد، در مقابل، عقل و فطرت دارد. وجدان یک آدم ممکن است آزاده باشد و ممکن هم هست یک آدم برده و بنده باشد.

یعنی ممکن است انسان بنده حرص و شهوت و خشم و افزون‌طلبی خودش باشد و ممکن هم هست که از همه اینها آزاده باشد.

آزادی و ساده‌زیستی

در سبک زندگی الهی افرادی را می‌بینیم که در دنیا ساده زندگی می‌کنند، بدون اینکه لذت‌های حلال و مشروع خدا را بر خودشان حرام کرده باشند و فکر کنند که باید از کارهای اجتماعی دست بکشند و در انزوا و رهبانیت زندگی کنند. بلکه این افراد در متن زندگی طبیعی و عادی و واقعی هستند.

زندگی پیامبران عظام و اولیای الهی و رهبران بزرگ جوامع بشری همواره زندگی ساده‌ای بوده، زیرا اگر زندگی پرتجمل و پرزرق و برقی داشتند (همان زندگی حلال و مباح و مشروع) دیگر نمی‌توانستند در جایگاه رهبری نقش هدایتگرانه خود را به خوبی ایفا کنند، و زندگی پرتجمل با رهبری که لازمه آن سبکباری و سبکبالی و جنبش زیاد و آزادی و آزادگی است نمی‌سازد.

آزادگی و عبادت

امام علی(ع) که اسوه همه آزادگان جهان است کلامی زیبا و جامع در خصوص عبادت دارد که در شأن مقام والای او و برازنده شخصیت اوست. می‌فرماید: بارالها! من تو را اهل عبادت یافتم.

بنابراین تو را پرستیدم. گروهی خدا را به امید بخشش بهشت پرستش می‌کنند که این همان پرستش بازرگانان است و گروهی از سر ترس از جهنم تو را پرستش می‌کنند که این همان پرستش بردگان است. اما گروهی خدا را از روی شکر و سپاسگزاری می‌پرستند و این بالاترین مقام است که پرستش آزادگان نامیده می‌شود. (نهج‌البلاغه- حکمت ۲۳۷)

آزادگی و تقوا

از دیدگاه امام علی(ع) تقوای الهی است که انسان را به مقام آزادگی می‌رساند. حضرت می‌فرماید: همانا تقوای الهی، کلید هر در بسته و ذخیره رستاخیز و عامل آزادگی از هر گونه بردگی و نجات از هرگونه هلاکت است. در پرتو پرهیزکاری، تلاشگران پیروز می‌گردند، پروا‌کنندگان از گناه، رستگار می‌شوند و به هر آرزویی می‌توان رسید. (نهج‌البلاغه- خطبه ۲۳۰)

(ادامه دارد)

سلوک عارفانه

تقوا یعنی خودنگهدارندگی و تسلط بر نفس

تقوای از معاصی در واقع معنایش خودنگهداری است. متقی باش یعنی خودنگهدار باش! خود این، یک حالت روحی و معنوی است که از آن تعبیر به «تسلط بر نفس» می‌کنند. اینکه انسان بتواند خود بر خود و در واقع، اراده و عقل و ایمانش بر خواهش‌ها و هوس‌هایش تسلط داشته باشند، به طوری که بتواند خودش را نگه دارد، این نیروی خودنگه‌داری، اسمش تقوا است.(۱)

۱- مجله طوبی، تقوا گل‌واژه سعادت (معنای تحلیلی تقوا از دیدگاه شهید مطهری، محمدجواد نوری‌مطلق، اردیبهشت ۸۶، شماره ۱۷)

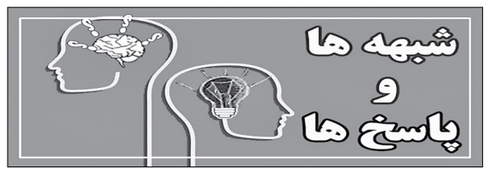

حجاب؛ یک واجب قرآنی

شبهه: کجای قرآن گفته حجاب برای زنان اجباری و واجب است؟ وقتی زن و مرد در انسانیت و در ارتباط و انس با خدا برابر و یکسان هستند، چرا حجاب برای زن باید اجبار شود ولی برای مرد نه؟ اجبار کردن حجاب برای زنان، ظلم در حق زن است و خداوند در حق کسی ظلم نمی‌کند، لذا حجاب اجباری نیست و فقط مفید است. هرکس خواست انجام می‌دهد و هرکس نخواست نمی‌دهد. آیا این استدلال به قرآن درست است؟

پاسخ: حجاب به معنای پوشاندن بدن از نگاه دیگران اولاً اختصاصی به بانوان ندارد و شامل مردان نیز می‌شود؛ ثانیاً این وجوب مختص به دین اسلام نیست و در همه ادیان آسمانی حجاب واجب است؛(۱) ثالثاً خداوند حجاب را واجب کرده است و وجوب چیزی غیر از اجبار بر آن چیز است؛ رابعاً هر اجباری ظلم نیست؛ خاصتاً مطابق قرآن مردم در مسائل دینی حق انتخاب ندارند و اموری همچون دوست داشتن یا نداشتن آنها، اصلاً مطرح نیست، چون صاحب دین و قانون‌گذار، خداوند است.

ادله قرآنی وجوب حجاب

دست‌کم در دو آیه قرآن به وجوب حجاب برای زنان اشاره شده است:

وجوب خمار

در آیه ۳۱ سوره نور خداوند «خمار» را برای زنان واجب کرده است: وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّ ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلى جُيُوبِهِنَّ وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّ لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبائِهِنَّ...؛ و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را ازآنچه حرام است فروبندند و شرمگاه خود را حفظ کنند و زینت خود را مگر مقداری که [در دستان یا گردی صورت] پیداست آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان بیندازند و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان...

در این آیه دو کلمه مهم است:

۱. «لْيَضْرِبْنَ»: این کلمه در زبان عربی فعل امر و فرمان و به معنای این است که انجام این کار واجب و بایسته است و هرگز نباید ترک شود.

۲. «خُمُرِهِنَّ»: این کلمه در زبان عربی جمع «خمار» و به معنای پوشش سر، روسری و مقنعه است.(۲) زنان عرب سرشان را می‌پوشاندند و به خاطر همین نیازی نبود که در این زمینه به آنها تذکری داده شود؛ اما دو طرف روسری را به پشت سرشان می‌انداختند و درنتیجه، گردن و تخت سینه‌شان آشکار بود. خداوند در این آیه به آنها دستور می‌دهد که دو طرف روسری‌تان را بر روی سینه‌تان بیندازید تا گردن و تخت سینه شما نیز پوشیده شود.(۴)

وجوب جلباب

در آیه ۵۹ سوره احزاب خداوند «جلباب» را برای زنان واجب کرده است: يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْواجِكَ وَ بَناتِكَ وَ نِساءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلابِيبِهِنَّ...؛ ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند. کلمه «جَلابِیب» در زبان عربی جمع «جِلباب» است. این کلمه به معنای پوششی است که سرتاسر بدن را می‌پوشاند(۵) و مصداق امروزی آن چادر است. بنابراین، مطابق این دو آیه قرآن‌کریم، بر زنان واجب است که هم از روسری استفاده کنند و سر، گردن و سینه خود را بپوشانند و هم یک پوشش سرتاسری مثل چادر داشته باشند که همه بدن آنها را بپوشاند؛ تنها مقداری که پوشاندن آن واجب نیست گردی صورت و دو دست است.

اشتراک زنان و مردان در وجوب حجاب

برخلاف تصور غالب مردم، وجوب حجاب اختصاصی به زنان ندارد و مردان نیز باید آن را رعایت کنند؛ تنها تفاوت این است که با توجه به اختلاف زن و مرد در نوع خلقت، مقدار حجاب زنان بیشتر از حجاب مردان و همچنین مهمتر است. با توجه به اینکه اکثریت قریب به‌اتفاق مردان در صدر اسلام و زمان نزول قرآن و صدور روایات، حجابی که بر آنها واجب بوده را رعایت می‌کرده‌اند، شاهد این هستیم که کمتر درباره آن در آیات و روایات بحث شده است. چنان‌که حجاب زنان نیز درگذشته، در همه جوامع، اعم از اسلامی و غیراسلامی، امری رایج بوده و به‌خاطر همین، تنها در دو آیه از آیات قرآن به این مسئله پرداخته‌شده است.

آیا حجاب اجباری ظلم به زنان است؟

اینکه گفته شود اجبار حجاب ظلم بر زنان است، اصلاً صحیح نیست؛ زیرا همان‌طور که گذشت اولاً وجوب چیزی، به معنای اجبار آن نیست؛ ثانیاً حجاب مختص به زنان نیست و بر مردان هم واجب است؛ ثالثاً در همه کشورهای دنیا قوانین و خط قرمزهایی وجود دارد که شهروندان موظفند آنها را رعایت کنند؛ به‌گونه‌ای که اگر شهروندی نخواهد آنها را مراعات کند، به شیوه‌های مختلفی همچون جریمه، محرومیت از برخی از امتیازات و امکانات و حتی زندان، او را مجبور به رعایت آن قوانین می‌کنند. آیا در این صورت می‌توان گفت: حکومت‌ها به چنین شهروندانی ظلم می‌کنند؟ خیر بلکه اگر با افراد متخلف و قانون‌شکن برخورد نشود، ظلم به شهروندانی است که قانون را رعایت می‌کنند.

آیات حجاب شرعی، اختیاری و دلبخواهی است؟

خداوند در قرآن‌کریم فرموده است: «و پروردگارت آنچه را بخواهد می‌آفریند و برمی‌گزیند، برای آنان اختیاری نیست.»(۶)

خداوند هرچند ما را مختار آفریده است و به‌خاطر همین اختیار هم باید پاسخگوی کارهایمان باشیم؛ اما مطابق این آیه شریفه، مختار بودن ما بدین معنا نیست که عمل به احکام شرعی دلبخواهی و مبتنی‌بر میل و خواسته ما باشد. هرکسی دوست داشت انجام دهد و هرکسی دوست نداشت انجام ندهد. بلکه شرعاً بر همه ما واجب است که واجبات را انجام دهیم و از محرمات کناره‌گیری کنیم و نباید فراموش کنیم که در صورت مخالفت با احکام الهی، دچار گناه شده و اگر توبه نکنیم، سزاوار عذاب خواهیم شد.

**حجاب مختص به زنان نیست و بر مردان هم واجب است؛ در همه کشورهای دنیا قوانین و خط قرمزهایی وجود دارد که شهروندان موظفند آنها را رعایت کنند؛ به‌گونه‌ای که اگر شهروندی نخواهد آنها را مراعات کند، به شیوه‌های مختلفی همچون جریمه، محرومیت از برخی